

تظاهرات کارزار زنان در هشت مارس ۲۰۰۶ در شهر لاهه در کشور هند و آموزشهای ما از آن

“تا پای من و تو بسته باشد سرمایه و جهل و دین بکار است”

مینا اسدی

ساعت دوازده ظهر روز چهارشنبه تظاهرات از میدان "مالی فلد" در شهر "لاهِه" زیر باران شدید شروع شد. جمعیتی بیش از ۸۰۰ نفر در این تظاهرات همبستگی خود را با زنان مبارز ایرانی و افغانی به نمایش گذاشت. زنان مبارزی که از چهار گوشه جهان گرد آمده، از ۴ مارس، این حرکت را از شهر فرانکفورت شروع کرده بودند. با تمامی خستگی راه با شور و شوق بی نظیری و با شعارهای کوبنده علیه جمهوری اسلامی و افشای سیاست های امپریالیستی در عراق و افغانستان گرما بخش راهپیمایی بود. شعارها و بیانیه ها به زبان های فارسی، هندی و انگلیسی توجه بسیاری از مردم شهر را به خود جلب کرده بود. حمایت و همبستگی نیروهای سیاسی ایرانی و خارجی و شرکتشان با هویت سازمانی خود در این تظاهرات نشانی بود از همبستگی و اتحاد عمل نیروها در برابر دشمنان طبقاتی و تبعیض جنسی. گروه تأثر زنان کارزار، در مسیر راهپیمایی و بخصوص در تجمع جلوی سفارت جمهوری اسلامی تبلوری از ابتکار بی نظیر این زنان مبارز و مشتکی کوبنده بر دهان نظام قرون وسطایی جمهوری اسلامی بود. تظاهر کنندگان در مقابل دوربین های فیلمبرداری مزدوران رژیم و بعد از شعارهای کوبنده، که لانه جاسوسی جمهوری اسلامی ایران را به لرزه درآورده بود، با شعری از "فرغانی" که توسط شاعر انقلابی، "مینا اسدی" خوانده شد، محل را به طرف دادگاه لاهه ترک کردند.

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد

هم رونق کسان شما نیز بگذرد

زین کاروانسرای، بسی کاروان گذشت

این عو عوی سگان شما نیز بگذرد

در محل تجمع دادگاه لاهه، پیام های مختلفی از جمله پیام حمایت و همبستگی کارگران شرکت واحد، پیام زنان مبارز ایرانی از پارک لاله تهران خوانده شد.

در میان سخنرانان، تعدادی از فعالین جنبش زنان در هلند شرکت داشتند. خانم "ماری لو گرنبرگ" کمونیست و مبارز عرصه زنان از آمریکا و حقوق دان سرشناس هندی خانم "رادا سوزا" که برای شرکت در این راهپیمایی از آمریکا و هند آمده بودند طی سخنانی با مواضع قاطع، سیاست های جنگ طلبانه آمریکا را محکوم کردند و همبستگی خود را با مبارزات حق طلبانه مردم ایران به ویژه زنان و کارگران اعلام داشتند.

از جمله سخنرانان ایرانی در برابر دادگاه لاهه، مبارزان سیاسی جنبش زنان، آذر درخشان، لیلا پرنیان، گلاویژ، یاسمین میظر، زمان مسعودی و بودند که سخنرانی هایشان با کف زدن های پر شور تظاهرکنندگان روبرو شد.

ترانه- سرود کارزار، کار مشترکی از مینا اسدی، گیسو شاکری و محمد شمس توسط آواز خوان مبارز، خانم گیسو شاکری در مقابل دادگاه لاهه با همراهی مردم اجرا شد.

گیسو شاکری طی سخنانی از مبارزات برحق مردم حمایت کرد و ضمن همبستگی با مبارزات زنان جهان به ویژه زنان ایران، حکومت های زن ستیز را محکوم کرد و به این نکته اشاره کرد که:

“ما با مبارزات خودمان شعله امید را در دل زنان مبارز ایران تا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی زنده نگه خواهیم داشت”.

مینا اسدی شاعر انقلابی در ضمن سخنرانی خود در مقابل دادگاه لاهه چنین گفت:

“ما در برابر دادگاه لاهه اجتماع نکرده ایم که اینها با ما همبستگی کنند یا از مبارزات ما حمایت کنند. ما به اینجا آمده ایم که بگوئیم این گونه دادگاه ها که از آغاز "ظاهراً" برای این تشکیل شده بودند که دادگاه های ملل باشند و نگذارند حقوق ملتها پایمال شود، امروز بدون رو در بایستی از مردم تحت ستم جهان، در نقش دادگاه های دُول، شریک دزد و کار چاق کن امپریالیستها هستند.

آقای کوفی عنان و شرکا به هنگام قتل عام مردم رواندا، عراق، افغانستان، ایران و از گوش، کردند و از چشم نابینا. می گذارند کُشتارها ... اعدام ها و ترورها انجام شود. و سپس، بعد از سکوت سالیان، دقایقی از خواب غفلت بیدار می شوند و در سالگرد این جنایات با گردن های کج و چهره های اندوهگین و قیافه های حق به جانب در مراسم یادبود قتل عام جوانان، کودکان، زنان و مردان شرکت می کنند ... سخنرانی می کنند ... ابراز تاسف می کنند و از کیسه پر فتوت امپریالیسم مبالغی برای ترمیم خرابی ها می پردازند و سپس با وجدانی آسوده دوباره به خواب غفلت فرو میروند!

پیشنهاد می کنم که برای دلالان این حکومت ها که فریاد ها را نمی شنوند و فجایع را نمی بینند به تمام کارخانه ها عینک و سمعک مخصوص سفارش داد!

اینان در کمال خونسردی پیپ هایشان را می کشند و گیلان های شامپاین شان را در مراسم کشتار ملت ها با آرزوی پایداری دولت ها بالا می برند. اما دور نیست که این دادگاه های باصطلاح طالب صلح در روز انقلاب مردم در دادگاه های مردمی محاکمه شوند".
در این گردهم آیی قطعنامه ای خوانده و به تصویب رسد که بسیار پر محتوی و قابل توجه است:

قطعنامه راهپیمایی زنان در

تاریخ ۰۴ - ۰۸ مارس ۲۰۰۶

ما زنان و مردان در اینجا گرد آمده ایم تا به ۲۷ سال سرکوب سیستماتیک دولتی علیه زنان طبق قوانین نابرابر و مجازات های اسلامی توسط مرتجعین اسلامی حاکم بر ایران اعتراض کنیم.

ما زنان و مردان در اینجا گرد آمده ایم که اعلام کنیم؛ بیش از ۲۷ سال است که زنان ایرانی در برابر این قوانین نابرابر و مجازات های اسلامی مقاومت و مبارزه کرده و هرگز به آن تن نداده اند.

امروز ما اینجا هستیم که صدای

مبارزات آنان را به گوش شما انسان های آزاده برسانیم.

در شرایطی در اینجا گرد آمده ایم

که جمهوری اسلامی ایران، جامعه را به ورطه نابودی، فقر و فلاکت، اعتیاد و تن فروشی کشانده است. ایران را به زندانی بزرگ برای زنان و مردان بدل کرده است. سرکوب زنان و تحمیل هرگونه موقعیت بردگی به آنان موجب شده که هر روزه دهها زن که در اوج ناامیدی و رنج دست به خودکشی و خودسوزی بزنند. آنان جامعه را در همه زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسوی اضمحلال و انحطاط کشانده اند.

امروز رژیم جمهوری اسلامی در اوج ورشکستگی و از دست دادن مشروعیت سیاسی خود، موضوع تسلیحات هسته ای را بعنوان وسیله ای برای مماشات با دولت های جهان بوش قرار داده تا از این طریق هم به حیات نظام ارتجاعی خود بیفزاید و بار دیگر با بهانه دشمن خارجی نارضایتی و خشم مردم را فرونشاند.

ما زنان و مردان در شرایطی در اینجا گرد آمده ایم، که مرتجعین حاکم بر جهان و دول ارتجاعی منطقه خاورمیانه از جمله ایران، مردم این منطقه را به بهانه "دمکراسی" ما را در مقابل انتخاب بین سیاهچال های جمهوری اسلامی ایران یا زندان های ابوغریب قرار داده اند.

ما در شرایطی در اینجا گرد آمده ایم

که جنگ طلبان و متجاوزین حاکم بر جهان هم چنان بر طبل جنگ می کوبند و می خواهند همان بلایی را بر سر مردم ایران بیاورند که بر سر مردم افغانستان و عراق آورده اند. طی تجاوز نظامی به این کشورها صدها هزار نفر جان باختند، هزاران نفر بی خانمان شدند، بسیاری شهرها تبدیل به مخروبه شدند، و بسیاری از منابع تولیدی نابود شدند، بطوری که کشوری مثل عراق در حال اضمحلال است. و هنوز ماشین جنگی آمریکا و دولت های متحد اش دست از از خونریزی و کشتار نکشیده اند. و به یاری دست نشاندگان بومی اشان تا کنون تعدادی از زنان در افغانستان سنگسار شده اند.

ما زنان ایران انتخاب خود را کرده ایم. نه به بوش! نه به قدرتهای بزرگ دیگر!

و نه به نوکران سابق آنان در خاورمیانه!

ما در اینجا گرد آمده ایم تا این انتخاب را به نمایش بگذاریم.

ما خواهان:

جدایی دین از دولت و کوتاه شدن دست مذهب از کلیه شئون زندگی زنان و کلیه مردم هستیم!

حذف کلیه ارزشهای دینی از آموزش و پرورش، قوانین و دولت هستیم!

لغو کلیه قوانین نابرابر علیه زنان هستیم!

لغو کلیه مجازات های اسلامی علیه زنان هستیم!

آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران هستیم!

آزادی بی قید و شرط همه کارگران دستگیر شده در اعتصابات اخیر هستیم!

قطع اخراج زنان پناهجو به کشورهای هستیم که بدلیل جنسیت شان مورد سرکوب و پیگرد دولتی هستند!

لغو فوری کلیه حکم های اعدام و سنگسار همه زنان که هم اکنون در زندان های جمهوری اسلامی بسر می برند، هستیم!

محاکمه و مجازات کلیه کسانی هستیم که در کشتارهای بزرگ سیاسی و قتل های زنجیره ای آمر و عامل بوده اند.

محاکمه و مجازات علنی کلیه کسانی که در تجاوز و قتل صدها زن دست داشته اند، هستیم!.

ما با خواسته های خود در این راهپیمایی بار دیگر انتخاب خود را که جهانی دیگر است اعلام می کنیم!

ما همراه با همه مردم ستمدیده و آزادیخواه، جهانی دیگر خواهیم ساخت.

کارزار زنان علیه کلیه قوانین نابرابر و مجازات های اسلامی

۴ تا ۸ مارس ۲۰۰۶

این قطعنامه بیان جامعه ای بدون ستم و استثمار است. دارای مضمونی ضد ارتجاعی، ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی است و باید با آن موافقت کرد.

بعد از اتمام این تظاهرات، تعداد زیادی از مردم برای شرکت در جشن پایانی کارزار محل را به طرف سالن جشن ترک کردند.

مجری برنامه این شب زن مبارز "پروانه بکاء" بود که با ایراد سخنانی، از تمامی دست اندر کاران کارزار که خود نیز یکی از همکاران خستگی ناپذیر آن بود قدر دانی کرد.

جشن کارزار با موسیقی کُردی و ترکی و فارسی و هنرنمایی هنرمندان مردمی از کشورهای مختلف آغاز شد.
در این برنامه گیسو شاکری با صدای دلنشین خود خستگی چند روزه را از تن ها بدر کرد و با سروده مینا اسدی رنگ و بوی ویژه ای به این گرد هم آئی مترقی بخشید.

ترانه سرود "کارزار"

از پشت دریچه های بسته
در خانه ی غم نشسته بودیم
دیدیم پرنده پر زد و رفت
دیدیم که بخت در زد و رفت
دیدیم که ماه سر زد و رفت
دیدیم که ماه سر زد و رفت

گفتیم که این چه روزگار است؟
دیگر نه زمان انتظار است.
هان! اینک. وقت کارزار است.

دیدیم که زن بخاطر عشق
دیدیم که کارگر پیاده ست
دیدیم که کودک گرسنه
دیدیم نهال آرزوها
محکوم به مرگ و سنگسار است
سرمایه به کارگر سوار است
گریان و غمین و اشکبار است
پژمرده و زرد و بی بهار است

گفتیم که این چه روزگار است؟
دیگر نه زمان انتظار است.
هان! اینک. وقت کارزار است

تا پای من و تو بسته باشد
جز آزادی مگر چه می خواست
سرمایه و جهل و دین بکار است
آن جان جوان که سر به دار است

گفتیم که این چه روزگار است؟
دیگر نه زمان انتظار است.
هان! اینک. وقت کارزار است

سپس "فریدون" هنرمند مردمی از کارگاه هنر، با خواندن ترانه سرود های سالهای انقلاب ۵۷ مردم را دوباره به آرزوی پُر شور بُرد.

پایان بخش برنامه، سرود اینترناسیونال بود که توسط فریدون نواخته و خوانده شد شور و اشتیاق حاضران در سالن با مشت های گره کرده و تکرار "روز قطعی جدال است آخرین رزم ما"..... و صف ناشدنی است.

ما ضمن تیریک ۸ مارس، به زنان مبارز که با تمامی مشکلات و سختیهای موجود، تحرک جدیدی را در عرصه مبارزه زنان بوجود آوردند دستشان را رفیقانه می فشاریم.

نمایش قدرت زنان ایران در لاهه و ویژه گیهای چندی داشت که توجه به آنها ضروری است.

این مبارزه برای خواسته های دموکراتیک زنان ایران آگاهانه در پیوند روشن با مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی قرار داشت و بیان کرد که آزادی زنان ایران نه تنها در سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی نهفته است، بلکه در بعدی فراگیرتر باید به آن نگریست و روشن کرد که این مبارزه یک مبارزه انتزاعی و در خود نیست، مبارزه ای روشن و با مرزبندی انقلابی است. تا امپریالیسم و ارتجاع طبقاتی در جهان حاکم است تصور آزادی کامل زنان و تحقق حقوق دموکراتیک و برابر آنها با مردان میسر نیست. تا پای من و تو بسته باشد سرمایه و جهل و دین بکار است.

سرنوشت زنان ایران به سرنوشت زنان عراق و افغانستان و سایر زنان منطقه وابسته است. این است که نمی توان از ۸ مارس دفاع کرد ولی همدست امپریالیستها در منطقه بود و حضور ارتش اشغالگر آمریکا و اسرائیل را در منطقه که زنان این ممالک را به وحشیانه ترین وضعی سرکوب می کنند به هر بهانه ای از جمله مبارزه علیه "تروریسم اسلامی" و یا تبلیغ نظریه ارتجاعی "اسلام سیاسی" حکمتیستها مورد حمایت قرار داد. آنکس که مدافع تجاوز امپریالیسم به افغانستان و عراق است، آنکس که مدافع ادامه اشغال سرزمین فلسطین است و برای صهیونیستهای جنایتکار کارنامه "دموکراتیک" صادر می کند و به مردم قهرمان فلسطین توصیه می کند در شرایط اشغال صلح آمریکائی و صهیونیستی را بپذیرند، نمی تواند مدافع حقوق زنان ایران و منطقه و جهان باشد. دفاع این گروههای لیبرال از زنان حمایت پنهان از سلطه امپریالیسم و ارتجاع است. دموکراسی آنها دموکراسی نیم بند و در خدمت منافع امپریالیستها خواهد بود. آنها همان گروههایی هستند که از منابع مالی امپریالیستی تغذیه می کنند و ما مشابه آنها را بنام "سازمانهای غیر دولتی" در اوکراین، یوگسلاوی، گرجستان و... دیده ایم. هرگونه مبارزه دموکراتیک در شرایط کنونی جهان و بویژه کشور ما ایران بدون پیوند با مبارزه برای سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی، طرد رژیم سلطنتی، و مبارزه بی امان علیه امپریالیسم و صهیونیسم مقدور نیست. سازمانهایی که از این نوع موضع گیری طفره می روند همان سازمانهایی هستند که شماره حساب بانکیشان را برای رمز فلد ارسال کرده اند تا از ۸۵ میلیون دلار آمریکائی به حساب آنها نیز واریز شود تا برای اسارت مردم کشورشان جشن بگیرند.

تظاهرات زنان ایران در تبعید در روز بزرگ ۸ مارس در لاهه از این جهت نمونه است. آنها خطوط تمایز را به همه مدعیان دروغین دموکراسی نشان دادند. آنها به ما آموختند که مبارزه برای دموکراسی جدا از مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی نیست. گفتیم که این چه روزگار است؟ دیگر نه زمان انتظار است. هان! اینک وقت کارزار است.

در این تظاهرات مردان در کنار زنان شرکت داشتند و از حقوق زنان بدفاع برخاستند. زیرا چنین مردانی به تجربه و معرفت آموخته اند که آزادی جوامع و از جمله آزادی زنان و حتی مردان بدون رفع ستم طبقاتی مقدور نیست. در جوامعی که برای زنان آزادی محدود می شود و ستم چند لایه بر آنها سوار می گردد این جامعه نمی تواند عاری از ستم طبقاتی باشد. فمینیسم ارتجاعی این امر مهم را کتمان می کند و می خواهد مبارزه زنان برای آزادی خویش از اسارت را از امر مهم مبارزه طبقاتی جدا نماید. مبارزه زنان را در چارچوب یک مبارزه لیبرالی و ناپیگیر و بی دورنما و علیه مردسالاری محدود کند. تظاهرات ۸ مارس با خواستها و شعارهای خود بر وحدت زنان و مردان برای رفع ستم ناشی از فرهنگ مرد سالارانه و طبقاتی تکیه کرد و در مبارزه برای آزادی زنان باید پدران و برادران را نیز به میدان کشید. این مبارزه مبارزه ای طولانی و عمیق و گسترده و بسیار دشوار است ولی هیچ بدیل دیگری در مقابل این راه قرار ندارد. تظاهرات ۸ مارس در لاهه از عهده این وظیفه مهم خویش نیز بر آمد.

در این تظاهرات زنان از هلند و سایر ممالک اروپا شرکت داشتند. زنی از آمریکا همبستگی جهانی خویش را با زنان ایران و افغانستان به نمایش گذارد و این بهترین سرمشق است که ما می توانیم از روحیه همبستگی جهانی یاد بگیریم. زنان ایران و خلقهای جهان و طبقات تحت ستم در سراسر عرصه گیتی یاران و متحدین خویش را دارند که به مراتب قدرتمندتر از امپریالیستها و صهیونیستها می باشند. آنها فقط باید به قدرت خویش واقف گردند و بقول شاعر انقلابی و کمونیست ایران لاهوتی: “تند تر می روی از من اگر آگه شوی”.

از سرزمین آمریکا تنها صدای غرش توپ و تانک نیست که گوش فلک را کر می کند، روزی بود که نغمه های “جان بیز” جان ما را روح می بخشید و روزی هست که قدرت اعتراض مادرانی که فرزندانشان را امپریالیستها و صهیونیستها در اقصی نقاط جهان و از جمله در افغانستان و عراق کشته اند سراسر گیتی را خواهد گرفت. تکیه به انترناسیونالیسم و میهن پرستی کمونیستی که مردم را به مقاومت در صورت تجاوز امپریالیستی به ایران فرا می خواند راز پیروزی مهمی است که باید به آن توجه کرد و تظاهرات ۸ مارس در لاهه این مهم را از نظر دور نداشت.

در این روز فارس و ترک و کرد و آذری و افغانی و عرب و اروپای و آمریکای و آسیای و آفریقایی در کنار هم قرار گرفتند. این نه تنها نشانه تکیه به همبستگی خلقهای ایران و برسمیت شناختن حقوق دموکراتیک آنهاست در عین حال بیان همسرنوشتی مبارزه همه مردم ایران اعم از زن و مرد در راه آزادی از اسارت و بی حقوقی بر ضد امپریالیستها، صهیونیستها و ارتجاع داخلی حاکم بر ایران است. همبستگی خلقهای ایران مشت محکمی است بر دهان یاهو گویان تجزیه طلب که سر در آخور اسرائیل و آمریکا و ارتجاع جمهوری آذربایجان و یا سازمان امنیت ترکیه “میت” دارند و می خواهند ایران تکه پاره را به امپریالیستها و اسرائیلیها تقدیم کنند. تحکیم همبستگی مردم ایران بر اساس برسمیت شناختن حقوق دموکراتیک همه خلقهای ایران و مبارزه مشترک انقلابی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در این تظاهرات بروشنی بیان شد و طرح گردید که مبارزه برای آزادی و دورافکندن یوغ اسارت زنان در ایران نمی تواند به معنی قبول اسارت جدیدی باشد. باید این روحیه میهن پرستی کمونیستی را با روحیه انترناسیونالیسم پرولتری عجین کرد و از گرمای آن مبارزه، زنان ایران برای تحقق برحق خواستههایشان را سیراب نمود. تظاهرات ۸ مارس در لاهه این امر مهم را از نظر دور نداشت.

در این تظاهرات همبستگی زنان ایران در خارج از کشور با زنان ایران در داخل کشور پژواک مناسبی یافت. این همبستگی قوت قلبی به زنان ایران است که بدانند در این مبارزه سخت و طولانی تنها نیستند. صدای آنها به اقصی نقاط جهان می رسد و مردم کشور ما قدر این مبارزات خستگی ناپذیر را می دانند. همبستگی با مبارزه زنان در پارک لاله و سایر مناطق دیگر نشانه آن است که می توان پیوندهای مبارزه زنان در ایران و خارج را آسان و محکم کرد و جبهه گسترده ای در حمایت از زنان ایران و مبارزه برای رفع ستم از زنان بوجود آورد. تبلیغ خواستههای درست زنان ایران از سطح بالای آگاهی آنها نشات می گیرد که خطر امپریالیسم و صهیونیسم را برای نفوذ در جنبش آنها حس کرده اند. نفوذی که رفع ستم از زن را تنها در دشمنی با مذهب اسلام خلاصه می کند و حرفهای جرج دبلیو بوش را به زبان فارسی ترجمه می کند. مبارزه زنان در ایران این خط و مرز تمایز را بدرستی نشان می دهد.

در این تظاهرات پیوند غیر قابل انکاری با مبارزات کارگران ایران زده شد. حمایت از کارگران سرکوب شده اعتصاب اتوبوسرانی شرکت واحد گواه روشنی بر وابستگی مبارزه ضد امپریالیستی، ضد سرمایه داری، با رفع ستم از زنان ایران است. کارگران ایران نیز پیام همبستگی برای این کارزار زنان ارسال کردند و این همبستگی عمیق خود را به عرصه نمایش گذاردند.

دیدیم که کارگر پیاده ست سرمایه به کارگر سوار است

حقوق دموکراتیک تجزیه بردار نیست. حمایت از حقوق زنان نمی تواند جدا از حمایت از حقوق کارگران و خلقها و ملتها صورت پذیرد. ستم بر زن در نهاد خویش در ستم طبقاتی خفته است و رفع قطعی ستم بر زن با نابودی طبقات میسر است. ولی هر گامی برای گسترش و تعمیق این حق و کسب سنگرهای جدید میخی است که بر تابوت ستمگران انسانها وارد می شود و دامنه عمل آنها را محدود کرده و نقاب چهره آنها را بیشتر کنار می زند.

تظاهرات ۸ مارس در لاهه پرچم روشنی را در این عرصه به اهتزاز در آورد که قابل تمجید است.

خواندن سرود بین المللی کارگران بیان همسرنوشتی مشترک زنان و مردان، خلقها و طبقات تحت ستم بود که گرچه با زبانهای گوناگون سخن می گویند و فرهنگهای گوناگونی را نمایندگی می کنند ولی احساس قلبی و بشری خویش را در ظنن آهنگ جاودانی سرود انترناسیونال سر می دهند تا بزبانی جهانی و قابل فهم برای همه سخن گویند. تا با صدای رسا همانگونه که مینا اسدی و کیسوی

شاکری عمل کردند بگویند که ما تنها نیستیم، اکثریت در همه جا با ما است. این ما نیستیم که باید بهراسیم، این آنها هستند که از ما میهراسند و بر ضد ما دسیسه می چینند و “ارزشهای” دروغین خویش را که ما در ابوغریب، و فلوجه و گوانتانامو در فتوای مسلمان کشی با کاریکاتور محمد بنام “آزادی بیان” شاهد بوده ایم متکبران در نزاع ایدئولوژیک با هدف شستشوی مغزی برخ ما می کشند. ارزشهای ما ارزشهای انقلابی و آکنده از مضامین بشری هستند که بر بربریت سرمایه داری پیروز می شوند. ارزشهای ما ارزشهایی هستند که انسان عاری از ستم را در مرکز توجه قرار می دهند و رفع نیازمندیهای مادی و معنوی وی را در نظر می گیرند. انترناسیونالیسم ما جهان وطنی و کسموپلیتیسیم نیست. جهانی بدون طبقه، بدون امپریالیسم و صهیونیسم، جهانی آگاه است که خرافه مذهب دیگر بر آن حاکم نباشد و مبارزه برای تحقق حقوق زنان، زنانی که مادران فردا خواهند بود گام بزرگی در این مسیر طولانی است. هرگز از صعبی راه مایوس نشویم و نهراسیم. شاهد پیروزی را ما در آغوش می گیریم.

هواداران حزب کار ایران (توفان) - هند

